تلفن گروه حوادث: ۸۸۷۶۱۶۲۱

دستگیری زوج مسلح قبل از حمله به طلافروشی

گروه حوادث - مهاجمان مسلح قبل از به اجرا درآمدن نقشه سرقت مسلحانه از یک جواهرفروشی، از سوی پلیس دستگیر شدند.

اعضای این گروه مسلح یک پسر جوان و دو خواهر هستند که با تهیه دو کلت کمری قصد حمله به یک طلافروشی در جنوب تهران را داشتند. بنا به این گزارش، ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ماه سال جاری مأموران گشت پلیس آگاهی متوجه مشاجره سرنشینان دو خودرو در بزرگراه آزادگان شده و به تحقیق درباره آنان پرداختند. در جریان بررسی های پلیس، سرنشین خودرو پژو با معرفی خود به عنوان مأمور ادعا کرد که راننده پیکان به همراه دو نفر دیگر افراد مظنونی هستند. وقتی خواستم آنها را متوقف کنم، سعی در فرار داشتند. ولی سرانجام مجبور به توقف خودروشان شدند که در این حین دو تن از سرنشینان پیکان از خودرو پیاده شده و پا به فرار گذاشتند، ولی راننده را بازداشت کردم. با توجه به این اظهارات، مأموران به بازرسی خودروی پیکان دست زدند و از داخل پیکان یک قبضه اسلحه کلت کمری «والتر» را در حالی که به طرز ماهرانه ای جاسازی شده بود، پیدا کردند. به دنبال انتقال متهم به آگاهی تهران، با دستور بازپرس توکلی از شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران، مأموران اداره یکم آگاهی مأموریت یافتند تا با تحقیق از این متهم نسبت به ردیابی دو همدست فراری اش اقدام کنند. وی با اظهارات ضد و نقیض خود سعی داشت پلیس را گمراه کند، ولی سرانجام اعتراف کرد که اسلحه را با تحریک نامزدش خریداری کرده است.

این جوان مسلح در ادامه گفت: مدتی قبل با دختر جوانی آشنا شده و قصد ازدواج با او را داشتم. وقتی با هم نامزد شدیم، او از من خواست تا به اتفاق هم به منطقه کوهدشت برویم و اسلحه ای تهیه کنیم. من و او با هم به شهر کوهدشت رفتیم. در آنجا دو قبضه کلت کمری به قیمت ۲۸۰ هزار تومان خریدیم. در راه برگشت دو تن از فروشندگان اسلحه با من آمدند، ولی نامزدم با خودروی دیگری به تهران آمد. با این اعترافات و اطلاعاتی که این متهم از مخفیگاه و محل سکونت نامزدش در اختیار پلیس قرار داده بود، مأموران در یک سری عملیات ضربتی آنجا را به محاصره خود درآوردند. وقتی در جریان بازداشت متهم و بازرسی از خانه اش اسلحه دوم پیدا نشد، این دختر ۲۰ ساله تحت تحقیق قرار گرفت.

وی سرانجام ادعا کرد اسلحه را برای نگهداری در اختیار خواهرش قرار داده است. با دستگیری این دختر وی اعتراف کرد کلت کمری را در پای یک درختچه در پارکی در نزدیکی خانه شان دفن کرده است. وقتی اسلحه دوم هم پیدا شد، متهمان برای بازجویی های قضایی به شعبه پنجم بازپرسی انتقال داده شدند. پسر جوان با ارائه نشانی هایی از دو قاچاقچی اسلحه، ادعا کرد آنان هم اکنون در شهرستان پنهان شده اند. به دستور بازپرس توکلی، سه متهم پرونده تا انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفتند.

حادثه ها

● محاکمه زن توطئه گر در مشهد

پرونده قتل مرد ۴۹ ساله ای که هشت سال پیش توسط همسرش و یکی از بستگان همسرش به قتل رسیده بود، در جلسه علنی شعبه ۲۸ دادگاه عمومی مشهد به ریاست قاضی علی وفادار مرادی مورد رسیدگی قرار گرفت. در این جلسه دادگاه «عباس» ۳۶ ساله گفت: آشنایی با خاله همسرم مقدمات ارتکاب این قتل را فراهم کرد. او از مدت ها پیش سعی در اغفال و فریب من داشت و سعی می کرد با روش های مختلف محبت من را جلب کند. متهم این پرونده افزود: پس از گذشت مدتی شوهرش را به بهانه ای به خانه ام کشاندم و من و محبوبه، او را با چاقو و ضربات هاون به قتل رساندیم. «محبوبه» ۴۶ ساله نیز در دادگاه اتهام خود را مبنی بر اینکه ضربات هاون را وارد آورده است پذیرفت.

● ۹ فقره زورگیری در «قصرالدشت»

با دستگیری راننده اخاذ و زورگیر معروف به مصطفی ۶ انگشتی در شیراز پرده از راز ۹ فقره سرقت در محور «قصرالدشت - دوکوهه» برداشته شد. به گزارش پلیس، شاگاه هندهم شهرپوره امسال، مأموران کلانتری گلستان شیراز مطلع شدند راننده یک دستگاه تاکسی موقت فاقد پلاک ، در حالی که قصد اخاذی از یک مسافر را داشته به دام افتاده است. بلافاصله مأموران به محل بلوار واقع در شهرک گلستان اعزام و راننده اخاذ را به همراه شاکی به کلانتری منتقل کردند. با انتقال این افراد به کلانتری و در مراحل بازجویی مشخص شد، راننده زورگیر با همدستی فرد دیگری معروف به ۶ انگشتی تاکنون اقدام به ۹ فقره زورگیری در محور «قصرالدشت - دوکوهه» کرده اند که وی نیز دستگیر شد.

● جیب بر فرودگاه اصفهان برای هشتمین بار دستگیر شد

پیرمرد ۵۸ ساله ای برای هشتمین بار به اتهام جیب بری در فرودگاه «اصفهان» دستگیر شد. به گزارش پلیس، در پی رسیدگی به پرونده فردی به نام «محمد»، از اهالی «شهرکرد» و ساکن «اصفهان» که به اتهام جیب بری در فرودگاه به دام مأموران آگاهی افتاده است، مشخص شد این فرد برای هشتمین بار متوالی است که به خاطر ارتکاب این عمل دستگیر می شود.

● سرقت ۳ سرپناه اسنتگاه اتوبوس در تهران

گروه حوادث: سه سرپناه ایستگاه اتوبوس در مناطق مختلف تهران به سرقت رفت. این سرقتهای عجیب، در حالی صورت می گیرد که چند شرکت تبلیغاتی آنها را بسیار حجیم و سنگین ساخته و نصب کرده بودند. سازندگان یکی از این سرپناهها که از سال ۱۳۸۲ در خیابان اسفندیار در حوالی آفریقا نصب شده بود و از ۹ شهریورماه سال جاری به سرقت رفته است، در طرح شکایتی ادعا کردند که جابه جایی این سرپناهها به خاطر حجیم و بزرگ بودن آن قابل هضم نیست و این درحالی است که سرقتهای زنجیره ای در مدت دو هفته صورت گرفته است و هیچ ارگان مسؤولی از آن اطلاعی نداشت و ما خواستار ردیابی سارقان هستیم.

● افشای آزار و اذیت کودکان فوتبالیست در انگلیس

اتحادیه فوتبال انگلیس در حال بررسی دقیق ۲۵۰ مورد آزار و اذیت کودکان ورزشکار این کشور است. گزارشات تکان دهنده ای مبنی بر آزار و اذیت و بدرفتاری های شدید با کودکان فوتبالیست انگلیسی دریافت شدو کمیسیون مستقلی به مدت ۱۸ ماه بر روی این گزارشات بررسی های دقیقی انجام داد و در نهایت ۲۵۰ مورد از آنها به تأیید رسید.

در جریان بازجویی های قضایی فاش شد

جزئیات حمله مسلحانه به دو بانک در ونک

گروه حوادث: عامل حمله مسلحانه به دو بانک در میدان ونک تهران با انتقال به شعبه بازپرسی دادسرای جنایی تهران تحت بازجویی های قضایی قرار گرفت.

این پسر جوان در جریان دستبرد ۱۵ میلیون تومانی به بانک کشاورزی طی درگیری مسلحانه با پلیس دستگیر شده است. حادثه حمله مسلحانه این پسر ۲۱ ساله به بانک کشاورزی شعبه ملاصدرا ظهر روز شنبه ۲۶ شهریورماه سال جاری رخ داد. هنگامی که این مهاجم پس از سرقت مبلغ ۱۵ میلیون تومان قصد فرار داشت، با مقاومت مردم و مشتریان بانک روبرو شده و مجبور به گروگانگیری گردید. مأموران کلانتری ۱۴۵ ونک پس از به محاصره درآوردن این جوان مسلح، با شلیک سه گلوله به پاهایش، او را مجروح و بازداشت کردند. نخستین ساعات صبح روز گذشته متهم جوان درحالی که قادر به راه رفتن نبود، توسط دو مأمور پلیس به شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران انتقال داده شد.

وی که لباس سربازی به تن داشت، وقتی از سوی بازپرس «قیصری» تحت بازجویی قرار گرفت، در این باره گفت: تاکنون سابقه خلاف نداشتم. حتی پاپیچ به کلانتری نرسیده است. روز حادثه چون خدمت سربازی ام تمام شده بود، به پادگان محل خدمتم رفتم. کارت پایان خدمتم را گرفتم. می خواستم به شهرمان اسلام آباد غرب برگردم. نمی دانم چرا از اینکه وضعیت مالی بدی داشتم، دلم گرفت. به منطقه ناصرخسرو رفتم. از زندگی بیزار شده بودم. در آنجا خواستم قرص سیانور بخرم تا خودم را از بین ببرم. وقتی سراغ فروشنده های قرص را گرفتم، یک نفر گفت قرص ندارد، ولی اسلحه دارد. قیمت کلت کمتری را ۸۰ هزار تومان می گفت. پس از چانه زدن ۶۰ هزار تومان خریدم. به مینی سیتی برگشتم. کاری را که آنجا داشتم، انجام دادم. یک موتور کرایه کردم تا مرا به ونک ببرد. قبلاً یک بار از مقابل بانک کشاورزی خیابان ملاصدرا رد شده بودم. نقشه سرقت مسلحانه را یک دفعه طرح کردم. نزدیک میدان ونک اسلحه ام را به طرف راننده موتوسیکلت گرفتم. سه هزار تومان به او دادم، خواستم پیاده شود. به او گفتم چند ساعت بعد به همین منطقه آمده و موتورش را ببرد.

با پیاده کردن او به طرف بانک حرکت کردم. کلاه کاسکت سیاه رنگ او را روی سرم گذاشتم. داخل بانک شدم. اسلحه ام را طرف کارمندان بانک گرفتم. ساک آبی ورزشی ام را روی پیشخوان گذاشتم. آنها آن را پر از پول کردند. پولها را برداشتم، از در بانک که بیرون آمدم، چند نفر از مشتریان به طرفم حمله کردند. فکر می کنم شلیک کردم، نمی دانم چند گلوله و به چه کسانی زدم. مردم ول کن نبودند. به طرف پسر جوانی رفتم و او را با تهدید اسلحه گروگان گرفتم. به طرف بانک دویدم. خیلی آنجا شلوغ بود. گروگان فرار کرد. ناگهان سوزش شدیدی را در پاهایم احساس کردم. بی هوش روی زمین افتادم. با توجه به این اعترافات، به دستور بازپرس پرونده، متهم با صدور قرار قانونی تا انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفت.

ماجرای ربوده شدن دختران زن آرایشگر

گروه حوادث - تجسس های پلیسی برای ردیابی عامل گروگانگیری دو دختر جوان آغاز شده است. این اقدامات به دنبال ارائه شکایتی از سوی یک زن آرایشگر انجام می گیرد. این زن ۴۷ ساله با مراجعه به پلیس آگاهی تهران مدعی شده است، مرد جوانی دو دختر او را ربوده و به نقطه نامعلومی انتقال داده است. وی در ادامه شکایت خود گفت: یک سال قبل شوهر یکی از کارآموزانم مبلغ ۷ میلیون تومان از من قرض کرد. در ازای آن ۲۵ میلیون تومان چک و ۶ میلیون سفته به من داد. با گذشت مدتی او به بهانه های مختلف سعی کرد بدهی اش را نپردازد. وقتی من به بازگرداندن پول هایم اصرار کردم، او با نقشه ای دخترانم را ربوده و با خود به نقطه نامعلومی برده است. وی در ادامه گفت: او طی تماس تلفنی با تهدید خواست مدارک و اسنادش را پس بدهم تا دخترانم را آزاد کند.

مراحل پایانی در پرونده شهلا

وکیل مدافع شهلا جاهد، متهم به قتل همسر ناصر محمدخانی، صبح دیروز برای اخذ توضیح در شعبه ۱۵ تشخیص دیوان عالی کشور حاضر شد. به گزارش ایسنا، عبدالصمد خرمشاهی صبح دیروز برای اخذ توضیح در شعبه تشخیص رسیدگی کننده به پرونده شهلا جاهد حاضر و به سؤال سه مستشار این شعبه درباره پرونده موکلش پاسخ داد. بر اساس این گزارش در حال حاضر کار رسیدگی به این پرونده مراحل پایانی خود را طی می کند و بزودی نظر مستشاران شعبه ۱۵ تشخیص دیوان در این رابطه اعلام می شود.

جسدی در میان شعله های آتش

گروه حوادث - مرگ مرموز یک پسر جوان در آپارتمان محل سکونتش پلیس جنایی تهران را در برابر معمای پیچیده ای قرار داد.

جسد این پسر ۲۴ ساله پس از خاموش کردن آتش سوزی در آپارتمانی در خیابان خواجه نصیر پیدا شد. بنا به این گزارش، مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجویس از اطلاع از ماجرای آتش سوزی در این آپارتمان با کمک مأموران امداد آتش نشانی در محل حضور یافته و به اطفای حریق پرداختند. ساعتی بعد وقتی آتش سوزی مهار شد، مأموران پیکر بی جان پسر جوان صاحبخانه را که «سلمان» نام داشت، در حالی که روی تخت اتاق خواب جان سپرده بود، پیدا کردند.

در جریان تحقیق از شاهدان عینی حادثه و همسایه ها مأموران دریافتند از چند روز قبل پسر جوانی که از دوستان قربانی حادثه است، به خانه او رفت و آمد داشت و روز حادثه نیز دقایقی قبل از آتش سوزی او را دیده اند که سوار خودروی پیکان قربانی حادثه شده و آنجا را ترک کرده است. با توجه به این اطلاعات به دستور بازپرس اصغرزاده از شعبه دوم دادسرای جنایی تهران مأموران اداره ۱۰ آگاهی تحقیق برای ردیابی جوان ناشناس را آغاز کردند. پلیس طی بررسی هایی از طریق دفترچه خاطرات قربانی حادثه پی برد که قربانی حادثه در دوران خدمت سربازی با این پسر آشنا شده و رفت و آمدهای آن دو از یک هفته قبل زیاد شده بود. با شناسایی هویت این متهم، وی از سوی پلیس جنایی تهران بازداشت شده و تحت بازجویی قرار گرفت. وی ادعا کرد: روز حادثه به همراه قربانی حادثه در آپارتمان او مشغول استعمال مواد مخدر بودیم. وقتی من برای آوردن سیگار به اتاق دیگری رفتم، ناگهان متوجه شدم او بی حرکت روی تخت افتاده است. سعی کردم با تنفس مصنوعی او را نجات دهم، ولی بی فایده بود. بنابراین پس از سرقت تعدادی از لوازم موجود در آپارتمان، سوار بر خودروی پیکان او شده و آنجا را ترک کردم. این اظهارات در حالی مطرح می شود که پدر قربانی حادثه همه آنها را کاذب دانسته و عقیده دارد پسرش اعتیاد به مواد مخدر نداشته و قربانی سرقت مرگبار دوستش شده است. با توجه به شکایت مطرح شده از سوی این مرد، جوان سارق برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفت.